

نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در خوانایی و شناسایی محیط

مطالعه موردی: محله نازی‌آباد تهران

Urban Semiotics and its Role in Legibility and identification of Environment
Case Study: Nazi Abad Neighborhood

مرتضی میرغلامی^۱، امیر واعظ شهنقی^۲، محمد بشیر رباطی^۳

چکیده

۳۱

نشانه‌شناسی و توجه به معنا و تأثیرات آن بر استفاده‌کنندگان از رویکردهای نوینی است که اخیراً استفاده از آن در مطالعات شهری نیز رواج یافته و می‌تواند به‌عنوان ابزاری مناسب و کارآمد در راستای تولید داده‌های کیفی از شهر و زندگی روزمره ساکنان آن مورد استفاده قرار گرفته و طراحان شهری را در شناسایی نشانه‌ها و مفاهیمی که بر آن دلالت دارند، یاری دهد. در این مقاله محله نازی‌آباد تهران به عنوان نمونه موردی از جهت حضور نشانه‌ها، تأثیر آنها و معانی عناصر محیطی بر اقصای مختلف ساکنان و خوانش محیطی بررسی می‌شود. هدف این پژوهش نقد رویکرد نقشه‌های ذهنی لینچ و بررسی تأثیر معانی حاصل از عناصر و نشانه‌های شهری در ایجاد تصویر محیط در ذهن مردم و خوانایی محیط است که با بررسی میدانی محله، تهیه نقشه‌های ذهنی، تکمیل پرسشنامه و سنجش از طریق تصویر از ساکنان محقق می‌گردد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که عناصر لینچی بیشتر به منظور خوانایی محیط و قابلیت ادراک سریع محیط پیرامون به کار می‌روند و بیشتر کاربرد عملکردی دارند. ولی انسان‌ها بر اساس تجربه، فرهنگ، گذشته تاریخی، جهان بینی و... معانی مختلفی را از عناصر محیطی برداشت نموده و تعبیر ویژه‌ای را بر اساس خوانش نشانه‌های محیطی می‌توانند از محله خود داشته باشند. لذا طراحان شهری می‌توانند تغییرات و طراحی محیطی را با توجه به عناصر حاوی بارهای معنایی در زندگی شخصی و جمعی افراد انجام داده و امکان ایجاد دلبستگی محیطی را فراهم سازند.

واژه‌های کلیدی:

نشانه‌شناسی شهری، محیط شهری، نقشه‌های ذهنی، خوانایی، محله نازی‌آباد.

۱. استادیار طراحی شهری و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران - نویسنده مسئول

E-mail: Mirgholami@gmail.com

E-mail: Amirwaez@yahoo.com

E-mail: B.robotati.1986@gmail.com

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

۳. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

۱. مقدمه

نشان‌شناسی دانشی است با پیشینه‌ای کهن که در تقریرات موجود در تاریخ آن، می‌توان نام بسیاری از چهره‌های شاخص تاریخ فلسفه، از افلاطون و ارسطو تا سن آگوستین و ویلیام اوکام را یافت. نشانه در طول تاریخ، میان ملل مختلف با مبانی نظری گوناگون مطرح شد ولی در قرن بیستم تحولی بنیادی در این دانش رخ داد، به نحوی که می‌توان آنرا دانشی نوین قلمداد نمود زیرا به لحاظ رویکردها و حجم دستاوردها، نشانگر بانی مستقل در حوزه اندیشه است. این تحول مدیون دو اندیشمند بنام فردیناند دوسوسور^۱ و چارلز سندرس پیرس^۲ است (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۴۳). سوسور زبان‌شناس سوئیسی، نشانه را نتیجه همبستگی دال^۳ و مدلول‌ها می‌داند و پیرس پراگماتیست آمریکایی، نشانه را جایگزینی موردی به جای مورد دیگر، با نسبت و توانایی خاص برمی‌شمرد (جمالیور، ۱۳۸۴: ۴۶).

شهرسازی به عنوان دانشی جامع‌نگر و میان‌رشته‌ای با پدیده‌هایی از شهر سروکار دارد که برخی از آنها تنها آثارشان در زندگی روزمره قابل بررسی است و همچنین به علت اینکه نشانه‌شناسی بیش از همه با رفتارهای انسانی که حاصل تفاسیر او از معناهاست سروکار دارد، می‌تواند با استفاده از این دانش جدید (به علت بطئی و غیرمستقیم بودن) مسائل شهری را تحلیل نماید (همان، ۱۳۸۴).

این نوشتار بر آن است تا با مرور نظریه‌های مربوط به خوانایی محیط شهری و بررسی نقش عواملی که به خوانایی محیط کمک می‌کنند ارتباط معانی و نشانه‌های شهری را با تصویر ذهنی شهروندان از محیط زندگی خود بررسی و چگونگی برقراری ارتباط مابین مردم و محیط را با استفاده از یک نمونه موردی (محل نازی آباد تهران) مورد بررسی قرار داده و زمینه را برای طراحی محیط‌های شهری خوانا و متناسب با خواست و نیاز شهروندان هموار سازد.

۲. نشانه‌شناسی و مفاهیم مرتبط با آن

نشانه‌شناسی^۳ واژه‌ای یونانی است و در لاتین ریشه در کلمه علامت^۴ دارد و از واژگان علم پزشکی که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، گرفته شده است^۵ (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۱۱). از نظر سوسور "نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد" (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۴۸).

۱۴۳؛ پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹). وی نشانه را نتیجه همبستگی بین دال و مدلول می‌داند. دال^۶ و مدلول^۷ از اجزای نشانه‌شناسی است و بنابه تعریف، دال یک واسطه است و جوهر دال، همیشه مادی است (صداها، اشیاء، تصاویر و تخیلات) اما مدلول در پس دال قرار دارد و فقط از طریق دال می‌توان به آن دست یافت و آن چیزی است که از دال فهم می‌شود (بارت، ۱۳۷۸: ۱۵؛ پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹). به نظر سوسور نشانه مانند سکه‌ایست که دال و مدلول دو روی آن محسوب شده و با اینکه هیچ نوع اینهمانی با هم ندارند، اما عامل وحدت بخشی که سوسور تجویز فرهنگی می‌نامید، آنها را به هم پیوند می‌دهد.

پیرس در یک تقسیم‌بندی نشانه‌ها، آنها را به شمایی^۸، نمایه‌ای^۹ و نمادین^{۱۰} تقسیم می‌کند. نشانه شمایی مبتنی بر مشابهت است (از جمله عکس، کاریکاتور و ماکت)، نشانه نمایه‌ای مبتنی بر مجاورت است (مانند دلالت ردپای گرگ بر وجود گرگ، بوها و طعم‌ها) و نشانه نمادین مبتنی بر قراردادهای اجتماعی یا وضعی است همانند زبان و علائم راهنمایی و رانندگی (سجودی، ۱۳۸۷؛ پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹).

هر پیامی به ویژه پیامهای بصری با کمک علائم مبادله می‌شود. هر نوع علامت دریافت شده، در گیرنده نوعی اثر برجا می‌گذارد که در نشانه‌شناسی از دو بعد ظاهری و معنایی بررسی می‌شود. در بعد ظاهری به مشخصات ظاهری علامت مثل فرم، رنگ و... توجه می‌شود و گیرنده فقط بعد ظاهری را درک می‌کند و با تکرار یک نشانه می‌تواند در ذهن خود نظم ظاهری ایجاد نماید اما در بعد معنایی، علامت گویای مفهوم و محتوای نشانه است. درک معانی یک علامت زمانی ممکن است که گیرنده قبلاً مفهوم یا مشابه آن را آموخته باشد (گروتز، ۱۳۷۵). در نشانه‌شناسی شهری معنی واژه‌ها و نشانه‌ها یا عناصر شهری نه به صورت اجزای منفرد بلکه به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده ساختارهای کلان‌تری به نام محله و شهر بررسی می‌شوند. این نگاه ساختاری به عناصر شهری در نظریه نقشه‌های شناختی لینچ در قالب عناصر پنج‌گانه وی که در ارتباط با هم کلیتی به نام تصویر ذهنی از شهر را می‌سازند نیز مشهود است منتهی با یک کاستی و آن عدم توجه کافی این نظریه به ابعاد معنایی و نشانه‌ای این عناصر است.

۳. نشانه‌شناسی در طراحی شهری و نقش آن در خوانایی محیطی

نشانه‌شناسی شهری^{۱۱} مطالعه معانی مستتر در فرم شهرهاست که بوسیله نشانه‌ها، سمبول‌ها و دلالت‌های اجتماعی-ذهنی تولید می‌شوند. این رویکرد بر عناصر عینی کالبدی محیط نظیر خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها و بناها و نیز تولیدات فرهنگی نظیر کدهای ساختمانی، اسناد برنامه‌ریزی، تبلیغات بنگاه‌های ملکی و گفتمان‌های عامیانه در مورد شهر نظیر نقدهای معماری متمرکز می‌شود. با وجود اهمیت فراوان این رویکرد در مطالعات شهری، به دلیل نوپا بودن انتقاداتی نیز بر آن وارد است. از جمله اینکه این رویکرد بیشتر به سراغ عناصر عینی و کالبدی شهر رفته و جایگاه دیگر ابعاد شهری نظیر رفتارها و فعالیت‌های روزمره شهری در آن مبهم است، لذا برای رفع این کاستی رویکردهایی نظیر نشانه‌شناسی اجتماعی^{۱۲} پیشنهاد شده است (Gottdienier and Lagopoulos, 1986).

از جمله مطالعات مرتبط با نشانه‌شناسی فضا که با کاربری تحلیلی ادراکی از منظر شهر بوسیله پرسشنامه و مصاحبه با ساکنین صورت گرفته‌اند می‌توان به تحقیقات لدروت (۱۹۷۳)، فاوک (۱۹۷۳) و کرمپن (۱۹۷۹) اشاره کرد (S. Pipkin et al, 1983). روش لدروت بیشتر بر اساس گفتگو با ساکنین و انعکاس تصویر شهر در این اطلاعات است تا نقشه‌های ذهنی شهر. کرامپن بر خلاف لدروت بر اساس روانشناسی ادراک به نشانه‌شناسی فضا می‌پردازد و روش نشانه‌شناسی روانشناسانه را پیشنهاد کرده و تکنیکی را برای تفکیک عناصر ادراکی مصداقی^{۱۳} از مفهومی^{۱۴} ارائه می‌نماید. در ایران از معدود مطالعات مرتبط با این حوزه می‌توان به کتاب "نشانه‌های شهری: تعاریف، گونه‌شناسی، مکان‌یابی، برنامه‌ریزی و طراحی" تألیف دکتر پورجعفر و مهندس منتظر الحجه اشاره کرد که در آن ضمن ارائه مفاهیم مرتبط راهبردهایی جهت ارتقاء خوانایی و نمایانی شهرها به واسطه مکان‌یابی و طراحی مناسب نشانه‌های شهری ارائه گردیده است. پژوهش دکتر اهری در مورد مکتب شهرسازی اصفهان از دیگر مطالعاتی است که در آن با کاربری روش نشانه‌شناسی- زبان‌شناسی رابطه بین ساختار شهر و عناصر آن بعنوان واژه‌های شکل‌دهنده تبیین می‌شوند. هر چند در مطالعه مذکور ابعاد اجتماعی و رفتاری فضاها و جنبه‌های ادراکی و معنایی فضا از نگاه کاربران مورد توجه قرار نگرفته، لذا تحقیق حاضر و

مطالعات آتی می‌توانند با پوشش این ابعاد به غنای بیشتر و کاربردی‌تر نمودن رویکرد نشانه‌شناسی شهری در شهرهای ایرانی یاری رسانند. با توجه به توضیحات ذکر شده در مورد نقش علم نشانه‌شناسی در نحوه خوانش محیط، سؤال اساسی آنست که این دانش چگونه با سایر نظریه‌های مربوط به نحوه ادراک ساختار شهر توسط مردم، مرتبط شده و کاستی‌های آنها را تکمیل می‌نماید.

۳-۱. نظریه‌های نقشه‌شناختی شهر و انتقاد

نشانه‌شناسان به آن‌ها

همانطور که ذکر شد این تحقیق در صدد است تا با کاربری نقشه‌های ذهنی لینچ و تلفیق آن با نظریات نشانه‌شناسی شهری، به تصویر کاملتری از تصور ذهنی ساکنین یک محله از محیط زندگی خود دست یابد. اما نقشه‌های ذهنی دارای چه کاستی‌هایی هستند که نشانه‌شناسی شهری می‌تواند آنها را کامل‌تر کند؟ نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی شهری روش کسانی چون لینچ را به دلیل محدودیت و اینکه از تمرکز بیش از حد بر سطح تفکیکی/مصداقی ارتباط (تشخیص عناصر فضایی نظیر مسیر، راه و لبه) و بی‌اعتنایی به معانی ضمنی/مفهومی ناشی می‌شود مورد انتقاد قرار می‌دهند. آنها معتقدند ساختار شهری غالباً به خاطر معانی سمبولیک خود که فراتر از معانی عملکردیند، قابل تشخیص می‌گردند (Ledrut, 1986).

در تحقیق لینچ پیرامون سیمای شهر تأکید بر کالبد محیط زندگی انسان بعنوان متغیری مستقل است. او در جستجوی صفاتی کالبدی است که به ایجاد تصویری از علائم مشخصه و بافت شهر در ذهن، مرتبط است. هدف دستیابی به کیفیتی است که او از آن به عنوان نمایانی^{۱۵} نام می‌برد و منظور کیفیتی است در شیئی که تصویری روشن در ذهن ناظر ایجاد می‌کند و مراد آن شکل، رنگ و نظم است که ایجاد تصویری مشخص را با بافتی مستحکم از محیط زندگی انسان میسر می‌سازد؛ جایی که اشیاء با شدت و وضوح، خود را به تمام حواس آدمی عرضه می‌کنند. برای نیل به اهدافی نظیر نمایانی، هویت و جهت‌یابی بعنوان اهداف شناخت شهر و ایجاد تصویر ذهنی از آن، لینچ ۵ عنصر لبه، محله، راه، نشانه و گره را به عنوان عوامل سازمان‌دهنده تصاویر ذهنی مردم شناسایی می‌کند. نکته مهم آن است که تعریف لینچ از نشانه در این تئوری حاکی از عنصری عینی است که به جهت‌یابی افراد کمک می‌کند؛ درحالی‌که عابر برای

جهت‌یابی در شهر از کلیه عناصر دیگر نیز به عنوان نشانه استفاده می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۸۶). گولچ (۱۹۸۷) در تحقیقاتی نشان داده است که برای ادراک یک مکان، فرد ابتدا مکان‌ها (مانند عناصر شاخص) را می‌شناسد (نشانه)، سپس روابط میان آن‌ها را درک می‌نماید (راه) و نهایتاً حوزه‌هایی که گروه‌هایی از مکان‌ها را احاطه می‌کنند (محل) شناسایی می‌نماید.

مطالعات انجام شده بر نقشه‌های شناختی و جهت‌یابی در محیط ساخته شده مبین این نکته است که مجموعه قوانین سازماندهی بصری گشتالت می‌تواند مشخصات اساسی یک شهر یا یک بنا را به شکل مطلوبی پیش‌بینی نماید (غفوری، ۱۳۸۶: ۴). اما از تفسیر رفتارهای مردم که بر اساس خوانش‌هایشان از محیط، تجربه و تفسیر نشانه‌ها است، عاجز است.

به اعتقاد پیونیس روش لینچ حاصل روابط میان عناصر مرئی شهر (شامل لبه، محله، راه، گره و نشانه به معنی نقطه شاخص) و شناسایی گفتاری آن عناصر، توسط استفاده‌کنندگان از محیط شهری است؛ انتقادی که خود لینچ به آن اذعان دارد آنست که تفاوت زیادی میان درک فرم شهر به وسیله کشف‌کنندگان فضا بر اساس تجربه، خاطر، فرهنگ و معناهای قابل درک در رفتار روزمره، با توصیف کلامی این تعامل وجود دارد. انسانها معمولاً برای آدرس‌دهی از چگونگی برقراری ارتباط و خوانش محیطی خود بهره نمی‌برند، بلکه از آثار بصری علامت‌دار که برای دیگران قابل توصیف است یاری می‌گیرند. بر این اساس پیونیس میان "قابلیت تصور شهر"^{۱۶} و "وضوح"^{۱۷} تفاوت قائل می‌شود و بیان می‌دارد که مطالعه تصویر شهر بخش محدودی از مطالعه وضوح شهر است که با بهره‌گیری از علم نشانه‌شناسی کامل‌تر می‌شود. در حقیقت تصور شهر نمایانگر آنست که شهر چگونه نمایش داده می‌شود، نه آنکه چگونه شهر و فضاهای شهری به طور واقعی مورد درک و استفاده شهروندان قرار می‌گیرد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۱: ۷۰). اپلیارد نیز در مطالعات خود در زمینه نحوه شکل‌گیری تصویری از شهر در ذهن ساکنینش نظریه لینچ را توسعه بخشیده و موازین سه‌گانه‌ای را که باعث می‌شود یک عنصر در یاد مردم بماند پیشنهاد می‌دهد. این ۳ اصل عبارتند از تمایز فرمی، رویت پذیر بودن و برخورداری از اهمیت کارکردی یا نمادین (به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۸ صص

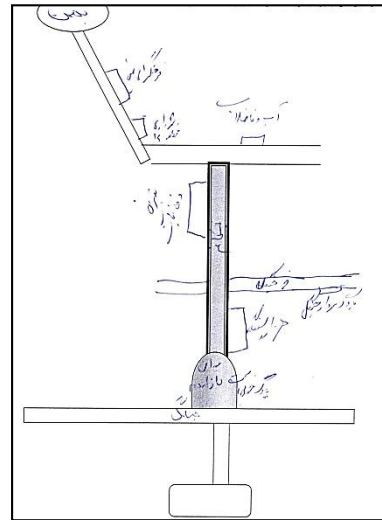
۱۶۸-۱۶۹). اصل سوم اپلیارد التزام تلفیق رویکرد لینچ و نشانه‌شناسی شهری را یادآوری می‌نماید.

انتقادات دیگری نیز بر نظریه لینچ وارد شده است. از جمله کرمونا سه دسته از انتقادات را بر کار لینچ وارد می‌داند که شامل تفاوت افراد از نظر نقش اجتماعی و میزان استفاده از محیط (تنوع ناظر)، علاقه مردم به محیط ناخوانا و مرموز و یک‌مرتبیگی محیط (خوانایی و قابلیت تصور شهر) و چگونگی معنای محیط شهری برای افراد و احساس مردم به آنها (معنا و نمادگرایی) می‌باشد (Carmona, 2003). لدروت (1986، به نقل از Gottdienier and Lagopoulos) نیز معتقد است در این روش تحلیل رفتار انسان تفاوتی با تحلیل رفتار حیوانات در هزارتو ندارد و هر دو در حال انطباق با محیط‌شان هستند. در حالیکه به اعتقاد او ساکنان با درگیر شدن در امور شهری نقشی پررنگ و بسیار فعال در تولید و بکارگیری بافت شهر دارند. این نکته مبین محدودیت دامنه ترسیم نقشه ذهنی می‌باشد. لدروت با تأکید بر دریافت شهرنشینان از محیط‌شان، آنرا جایی می‌داند که درک مردم از محیط شهری و عناصر عملکردی بر اساس فعالیتشان در شهر و همچنین عناصر نمادین صورت می‌گیرد، بنابراین معنای محیط باید در درون افراد و افکار آنها جستجو شود. لدروت با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه تلاش کرد تا واکنش افراد را به تصاویری از شهر بررسی کند تا نقش طبقه اجتماعی آنها را در شکل‌گیری نقشه ذهنیشان از شهر بررسی کند. وی نتیجه گرفت که به تصویر کشیدن سیمای تخیلی از شهر یک تولید اجتماعی-ایدئولوژیکی است. درحالیکه تحقیق لینچ مایل نیست ماهیت ایدئولوژیکی انسان را بپذیرد (غفوری، ۱۳۸۶: ۵).

۴. معرفی محله نازی‌آباد

این محله بعنوان ناحیه ۲ شهرداری منطقه در تقسیمات شهرداری شناخته شده و با وسعتی حدود ۲۳۶ هکتار و جمعیتی بالغ بر ۵۴۰۰۰ نفر، از قدیمی‌ترین محلات جنوب تهران می‌باشد. وجود تأسیسات کلان شهری، فضای سبز گسترده، طراحی مدرن و ساختار شبکه‌ای خیابانها، قدمت محله و اصالت ساکنان آن از ویژگیهای این محله است. این محله بیشترین سرانه فضای سبز، تراکم ناخالص جمعیتی و درصد باسوادی را در بین نواحی ۶ گانه شهرداری منطقه ۱۶ تهران دارا می‌باشد که سرانه فضای سبز آن (بیش از

۱۰ درصد ناحیه) نسبت به سایر نواحی کل تهران هم قابل توجه می‌باشد (شهرداری منطقه ۱۶، ۱۳۸۸). از عناصر مهم محله می‌توان به کارخانه دخانیات، چای جهان و پل پیچ (مهنا، ۱۳۸۳)، بازارچه نازی آباد به وسعت ۷۰۰ مترمربع و ۵۸ غرفه، دو منطقه مسکونی معروف به نام‌های چهارصد دستگاه و هزاردستگاه و فرهنگسرای بهمن (کشتارگاه سابق) اشاره کرد.



نگاره ۱: یک نمونه از نقشه‌های ذهنی ترسیم شده توسط ساکنین محله نازی آباد

۴-۱. هدف و روش تحقیق

هدف این تحقیق شناسایی مصادیق عناصر معنادار در محله، بررسی تأثیرات آن بر تصویر ذهنی افراد و نحوه درک و تفسیر این معانی و در نتیجه نوع پاسخ به آنها در رفتار روزمره ساکنان و انطباق و مقایسه آن با نقشه شناختی افراد برای جهت‌یابی، خوانش محیط و آدرس‌دهی می‌باشد. این تحقیق از روش پژوهش علی (پس‌رویدادی) و پیمایشی (زمینه‌یابی) استفاده نموده و با توجه به اهداف، سوالات و فرضیات تحقیق، پس از مرور ادبیات موضوع و ارائه چارچوب نظری در مورد ارتباط نشانه‌شناسی و خوانایی محیط، مطالعه‌ای مقدماتی از طریق مشاهده و گفتگو با ساکنین محله انجام و سپس بر اساس آن پرسشنامه اولیه‌ای با ۲۸ سوال در محله تکمیل گردید. بنابر نتایج حاصل از آن، پرسشنامه اصلی در چهار محور اصلی مشخصات عمومی پرسش‌شوندگان، چگونگی جهت‌یابی و آدرس‌دهی و نقشه ذهنی‌شان از محله، شناسایی عناصر معنادار در زندگی آنها و نحوه تعامل با این معانی و همچنین نقطه نظرات ساکنین در مورد این عناصر تنظیم گردید و به صورت تصادفی ۴۰

پرسشنامه تکمیل و سپس نتایج پرسشنامه‌ها استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت با استفاده از شیوه سنجش از طریق تصاویر از همان جامعه آماری کیفیاتی در رابطه با ۸ تصویر منتخب از نقاط مهم محله مورد سؤال قرار گرفت.

۴-۲. جامعه آماری

جامعه آماری، جامعه‌ای از واحدهاست که در صفت یا صفاتی مشترک باشند. (سرائی، ۱۳۷۲) از اینرو، جامعه آماری پژوهش حاضر عبارتند از: افراد بالای ۱۸ سال ساکن محله نازی‌آباد از هر دو جنسیت (۱۰ زن و ۳۰ مرد) که بدون ملاحظه جایگاه اجتماعی افراد (۶ نفر بی‌سواد، ۲۵ نفر دیپلم و زیردیپلم و ۹ نفر فوق‌دیپلم و لیسانس) و صرفاً براساس سکونت در محله انتخاب شده‌اند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. نقشه‌های ذهنی و نحوه خوانش محله

براساس نتایج پرسشنامه‌ها شغل اکثر ساکنان محله همانند گذشته ترکیبی از کارگری و کارمندی بوده و از اقبال متوسط صنف خود بشمار می‌آیند. تقریباً اکثر سوال شونده‌ها بیش از ۱۰ سال در محله نازی‌آباد ساکن بوده‌اند و اکثر افراد کهنسال (۳۵٪) بیش از ۳۰ سال در این محل زندگی کرده‌اند که این امر اولاً دلالت بر اصالت ساکنین محله و بوجود آمدن نوعی حس تعلق به محیط گردیده و ثانیاً در تولید، انتقال و تفسیر معنا که از فاکتورهای مهم آن تجربه و تداوم رابطه با محیط می‌باشد، می‌توانند نقش کلیدی داشته باشند. واحدهای مسکونی غالباً ویلایی و یک طبقه اولیه محله با ابعاد ۲۰۰ تا ۶۰۰ مترمربع امروزه با آپارتمان‌های با متوسط متراژ ۷۰ متر مربع جایگزین شده‌اند اما همانند سابق اکثر خانوارهای ساکن در محله، مالک واحد مسکونی خود می‌باشند. اکثر پرسش‌شوندگان قدمت و فضاهای سبز محله را از ویژگیهای مثبت آن و شلوغی و افزایش تعداد اتومبیلها و کمبود پارکینگ را از معضلات محله معرفی کرده‌اند.

در خصوص جهت‌یابی و چگونگی تعیین مختصات محل زندگی افراد براساس نقشه ذهنی و برای تعیین عناصر و عوامل مهم در شناسایی قلمرو، آدرس‌دهی به افراد و نوع خوانش افراد از محیط به منظور حرکت در محله نتایج حاصله از پرسشنامه و تصویر ذهنی به شرح ذیل می‌باشد:

۷۵٪ سوال‌شوندگان محدوده محله نازی‌آباد را حدفاصل خیابان‌های رجایی (آرامگاه)، خدشرفی و بابائی می‌دانند که تقریباً نصف محدوده مورد تأیید شهرداری (مابین رجایی و بزرگراه‌های بعثت و تندگویان) است و دلیل آن شاید وجود عناصر کلان مقیاس و فرامنطقه‌ای مانند انبار غله، هلال احمر، فرهنگسرای بهمن و شهرداری منطقه در خارج از این محدوده باشد. تقریباً تمامی پاسخ‌دهندگان میدان نازی‌آباد را مرکز محله نازی‌آباد می‌دانند ولی تعدادی نیز متذکر شدند که بازار دوم و میدان با هم مرکز محله را تشکیل می‌دهند و این امر نشان‌دهنده آن است که تمام سوال‌شوندگان قادر به شناسایی مرکز حوزه زندگی خود می‌باشند.

پیرمردان هم به مسجد حضرت رسول اشاره کرده‌اند. افراد کمی هم مواردی چون، خیابان مدائن (مشهدی)، پارس (شهید احدی)، هزاردستگاه، شهرداری و شهرسازی را ذکر کرده‌اند. نتایج حاصله در زمینه ادراک مردم و نقشه‌های ذهنی از محله نازی‌آباد تا حدود زیادی پژوهش و نظریه کار لنین را بار دیگر در کلیات به اثبات می‌رساند و وجود پنج عنصر وی را در خوانایی محیط زندگی تأیید می‌کند.

پس از طرح سوال در زمینه عناصر مهم در محله نازی‌آباد لیستی از این عناصر تهیه و از افراد خواسته شد تا میزان رضایتمندی خود را از هر یک ذکر کنند. (جدول ۱)

نتایج این بخش حاکی از آنست که:

- میزان علاقه افراد به عناصری که قبلاً برای خوانایی محیط از آنها نام برده بودند مانند سیلو، دخانیات، و تا حدودی شهرسازی بصورت معناداری کم است و این نشانگر آن است این عناصر در زندگی ساکنان فقط حضور فیزیکی دارند و لزوماً علاقه و هویتی از طریق آنها در افکار عمومی لازم نیست وجود داشته باشد.

- با تحلیلی بر روی نتایج و مطابقت آنها با بخش اول سوالات معلوم می‌شود که ساکنین بر اساس شرایط جنسی و سنی و سابقه سکونت در محل از خود نسبت به عناصر کالبدی با کارکردهای متفاوت علاقه نشان می‌دهند و بیشتر از آنکه از آنها بهره‌برداری مادی کرده و فقط نقش عملکردیشان برایشان مهم باشد از آنها برای هویت‌مندی و شناسایی و برقراری ارتباط با محیط بهره می‌برند. مانند دلایل جوانان برای علاقه مندی به "ورزشگاه مرغوب کار" به علت تمرین تیم فوتبال استقلال تهران جایی که جوانان می‌توانند از نزدیک بازیکنان محبوب خود را مشاهده کنند، علاقه بانوان به بازار دوم به علت محیطی مناسب برای گشت و گذار و پرسه‌زنی جایی که تحرک آنها در آن دلچسب و مجاز می‌باشد، علاقه مردان مسن به حسینه و مسجد به علت داشتن محیطی آرام، بدون مزاحم و با حضور همسالان، علاقه عمومی مردم به‌خصوص افراد کهنسال به فرهنگسرا بدلیل حذف کارکرد کشتارگاه و بوجود آمدن محیطی فرهنگی و پرآوازه در جنوب تهران. اینها نشانگر آن است که در کنار اهمیت عملکردی اینه و فضاهای مختلف شهری در ایجاد خوانایی، نقش معنابخشی و هویت‌مند ساختن زندگی توسط آنها نیز برای مردم بالارزش می‌باشد. علی‌رغم حضور عنصر انبار دخانیات در



| محل و عنوان فیزیکی | علامت |
|--------------------------|-------|
| ته خط | END |
| پل بیج | BRI |
| چهار راه دخانیات | CRD |
| شهرداری منطقه ۱۶ | MUN |
| شرکت و لیبار آب و فاضلاب | WBS |
| پارک آزادگان (شهرسازی) | AZD |

نگاره ۲: عناصر و نشانه‌های مهم محله نازی‌آباد که در نقشه‌های ذهنی منعکس شده‌اند (منبع: نگارندگان)

- در ترسیمات ذهنی چهار عنصر ثابت مابین تمام نقشه‌ها قابل شناسایی است: میدان و بازار دوم (گره)، انبار دخانیات (نشانه)، فرهنگسرای یا پارک بهمن (نشانه) و خیابان نیکنام/بوعلی (مسیر). این امر نشانگر گرانگه بودن این عناصر در نقشه ذهنی ساکنان محله می‌باشد (نگاره ۲).

۱۲ نفر (۳۰٪) به شرکت آب و فاضلاب در محور خیابان نیکنام، ده نفر به خیابان جنگل (میرفتاح) و ده نفر از

اکثر نقشه‌های ذهنی غالب پرسش شوندگان خواهان تخریب و تغییر کاربری این مجموعه در محله‌شان بودند که این امر موید آنست که صرف حضور عناصر در نقشه‌های ذهنی تایید کننده آن‌ها نیست.

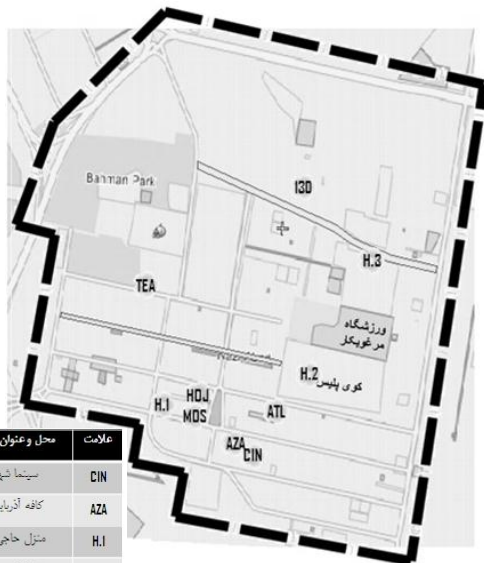
جدول ۱: میزان علاقه‌مندی یا ناراضی ساکنین از عناصر ذکر شده در نقشه‌های ذهنی محله (منبع: نگارندگان)

| ردیف | عنوان | کاملا ناراضی | نسبتا ناراضی | بی تفاوت | علاقه‌مند | خیلی علاقه‌مند |
|------|-------------------|--------------|--------------|----------|-----------|----------------|
| ۱ | مسجد حضرت رسول | - | - | ٪۲۰ | ٪۴۰ | ٪۴۰ |
| ۲ | حسینیه حجت | - | - | ٪۴۰ | ٪۳۰ | ٪۳۰ |
| ۳ | بازار دوم و میدان | - | - | - | ٪۲۰ | ٪۸۰ |
| ۴ | شرکت دخانیات | ٪۷۵ | ٪۲۰ | ٪۵ | - | - |
| ۵ | پارک بهمین | - | ٪۵ | ٪۱۵ | ٪۳۰ | ٪۵۰ |
| ۶ | سیلو | ٪۴۵ | ٪۴۰ | ٪۱۵ | - | - |
| ۷ | ساختمان شهرداری | ٪۱۰ | ٪۳۵ | ٪۳۰ | ٪۲۵ | - |
| ۸ | ورزشگاه مرغوب کار | - | ٪۵ | ٪۲۵ | ٪۳۰ | ٪۴۰ |
| ۹ | هلال احمر | - | ٪۵ | ٪۶۰ | ٪۳۵ | - |
| ۱۰ | شرکت آب و فاضلاب | ٪۵ | ٪۲۵ | ٪۶۰ | ٪۱۰ | - |
| ۱۱ | شهریازی | ٪۷۵ | ٪۲۰ | ٪۴۰ | ٪۲۵ | ٪۷۵ |
| ۱۲ | فرهنگسرای بهمین | ٪۵ | ٪۲۵ | ٪۱۰ | ٪۲۵ | ٪۳۵ |

۲-۵. چگونگی تولید، تداوم و تفسیر نشانه‌ها

پس از بررسی خوانایی محله و نقشه‌های ذهنی ساکنین آن، از پرسش‌شوندگان خواسته شد عناصر با اهمیت محله‌شان را در گذشته و حال که در نقشه‌ها به آنها اشاره نشده است، عنوان نمایند و همچنین نگرش خود را درخصوص محله خود در یک جمله نوشته و نظر خود را در مورد حفظ، حذف یا افزودن برخی عناصر و کاربری‌ها به محله ابراز دارند. هدف از این سوالات شناسایی ابعاد پنهان معانی عناصر محله بود که در رویکرد ادراکی-ذهنی-ترسیمی لاینچ‌چندان بدان پرداخته نشده است. این بخش از پرسشنامه نتایج جالب و تا حدودی دور از ذهن را به معرض نمایش می‌گذارد از جمله اشاره به عناصر، محل‌ها و مواردی چون: ته‌خط نازی‌آباد، چای جهان، پل پیچ، کلانتری نازی‌آباد، کوی پلیس، ترک‌آباد، پارک سردار جنگل، منزل عباس غفاری (بازیگر و کارگردان)، اکبر عبدی (بازیگر) و حاجی گل (متولی مسجد حجت)، کارخانه چیت‌سازی، کانون معدل شیرازی (غزل‌سرای نامی)، کافه پرستو، منزل علی‌اکبر دودانگه قهرمان کشتی جهان و ساندویچی شیرین خانوم (نگاره ۳).

محله در گذشته خیلی سگ ولگرد داشته است و عناوین قدیمی چون خیابان شهزاد، شقایق (رحیمی)، کوشا (خداشرفی)، بوعلی شمالی (نیکنام)، کوچه‌درختی.



| محل و عنوان قدیمی | علامت |
|-------------------|-------|
| سینما جهانز | CIN |
| کافه آذربایجان | AZA |
| منزل حاجی گل | H.1 |
| منزل اکبر دودانگه | H.2 |
| منزل اکبر عبدی | H.3 |
| چای جهان | TEA |
| مسجد حضرت رسول | MOS |
| حسینیه حجت | HOJ |
| میدان اطلسی | ATL |
| کاشتری ۱۳۰ | I30 |

نگاره ۳: عناصر و نشانه‌های مهم محله نازی‌آباد که در نقشه‌های ذهنی نیامده و از طریق مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها استخراج شده‌اند (منبع: نگارندگان)

بنابر مصاحبه‌ها و مطالعات صورت گرفته، مباحثی پیرامون عناصر فوق ارائه شده که عبارتند از:

- ته‌خط نازی‌آباد: نام قدیم خیابان سرسبز و نام فعلی آن شهید شیرمحمدی است که به ته‌خط نازی‌آباد شهرت یافته است؛ در صحبت‌های ساکنین معضلاتی نظیر عدم توجه

مستولین شهر به فضای سبز و درختان محور و افزایش ترافیک خودروها در محدوده اشاره شد.

- کوچه درختی: کوچه‌ای پردرخت بوده که به واسطه آبهای آلوده کارخانه چیت‌سازی رفته رفته خشک شده و از بین رفته است. به گفته یکی از ساکنین:

- کانون معدل شیرازی: معدل شیرازی یکی از غزل‌سرایان نامی بوده که همه ساکنان ناحیه با نگاهی احترام آمیز به آن می‌نگرند. کانون یاد شده هنوز هم با پشتکار تمام به کار خود ادامه می‌دهد.

- ساندویچی شیرین‌خانوم: طبق گفته اهالی اولین ساندویچ فروشی نازی آباد را زنی به نام «شیرین‌خانوم» راه‌اندازی کرده که قدمتی چنددهه‌ای دارد. این ساندویچ فروشی هنوز هم در کوی ولی‌عصر فعال است.

- کافه آذربایجان و پرستو: نازی‌آباد تا قبل از انقلاب چند قهوه‌خانه معروف داشته است. کافه آذربایجان فروشنده عمده مشروبات الکلی بوده که بعد از انقلاب به آتش کشیده می‌شود. این کافه در ایستگاه ورزشگاه واقع بوده و بعد از آتش گرفتن دیگر بازگشایی نشده است. در بخش پل پیچ هم کافه‌ای به نام پرستو وجود داشته که هم اکنون جایش را به کاربری دیگر داده است.

این جواب‌ها می‌تواند مؤید این باشد که عناصر و وقایع معنایی فراوانی در محل وجود دارد که افراد با آنها زندگی کرده و با گذشت زمان و تجربه، با آنها مأنوس شده‌اند بنابراین توجه به آنها در برنامه‌ریزی برای محله اهمیت دارد. عناصری که ساکنین نازی‌آباد را از ساکنان سایر محله‌ها متمایز ساخته و به آنها هویت می‌بخشد اما ممکن

است به دلیل اهمیت نمادین و نه صرفاً بصیرشان جایگاهی در نقشه‌های ذهنی و نحوه مسیریابی افراد نداشته باشند. این یافته‌ها در تایید نظریات پیونیس نیز می‌تواند قلمداد شود که روش لینچ را حاصل روابط میان عناصر مرئی شهر و شناسایی گفتاری آن عناصر به وسیله کاربران محیط شهری می‌داند و معتقد است تفاوت زیادی میان درک فرم شهر به وسیله کشف‌کنندگان فضا بر اساس تجربه، خاطره، فرهنگ و معناهای قابل درک در رفتار روزمره، با توصیف این تعامل از طریق کلام وجود دارد. انسانها معمولاً برای آدرس‌دهی به دیگران از چگونگی برقراری ارتباط و خوانش محیطی خود بهره نمی‌برند، بلکه از آثار بصری علامت‌دار که برای دیگران قابل توصیف است یاری می‌گیرند لذا مثلاً مکانهایی چون منزل علی اکبر دودانگه، منزل عباس غفاری (بازیگر و کارگردان) و کانون معدل شیرازی که اهمیت خاطره‌ای و نمادینشان بر اهمیت بصری آنها ارجحیت دارد ممکن است در نقشه‌های ذهنی جای نگیرند.

به منظور پی بردن به اهمیت عناصری که به دلیل فقدان و تخریبشان در نقشه‌های ذهنی ارائه نگردیده، اما در صحبت‌های مردم به آنها اشاره شده بود نظر ساکنین درباره بناهایی که سابقاً در محله نازی‌آباد بوده‌اند ولی امروزه تخریب شده‌اند نیز پرسیده شد (جدول ۲).

در مرحله آخر با استفاده از روش سنجش از طریق تصویر (تصویر ۴)، ۸ عکس منتخب از نشانه‌های مهم به پرسش‌شوندگان نشان داده شده و از آنها خواسته شد تا از کیفیتهای ذکر شده در کنار تصاویر هر کدام را که مرتبط‌تر با مکان مورد نظر می‌دانند علامت بزنند. (جدول ۳).

جدول ۲: نظر ساکنان در مورد ابنیه تخریب‌شده حوزه محله (منبع: نگارندگان)

| ردیف | عنوان | کاملاً ناراضی | نسبتاً ناراضی | بی تفاوت | علاقه‌مند | خیلی علاقه‌مند |
|------|------------------------|---------------|---------------|----------|-----------|----------------|
| ۱ | بناهای قدیمی و حیاطدار | ٪۱۵ | ٪۱۵ | ٪۲۰ | ٪۲۲.۵ | ٪۲۷.۵ |
| ۲ | سینما | ٪۲۵ | ٪۲۵ | ٪۴۰ | ٪۱۰ | - |
| ۳ | بازارچه شرقی | ٪۲۵ | ٪۳۵ | ٪۴۰ | - | - |
| ۴ | کشتارگاه | - | - | - | ٪۱۲.۵ | ٪۸۷.۵ |
| ۵ | شیرینی فروشی رویال | ٪۷.۵ | ٪۲۲.۵ | ٪۷۰ | - | - |
| ۶ | کافه آذربایجان | ٪۱۰ | ٪۲۵ | ٪۶۵ | - | - |
| ۷ | درختان خیابان جنگل | ٪۵۵ | ٪۳۵ | ٪۱۰ | - | - |



نگاره ۴: تصاویر منتخب و کیفیات مورد سنجش از شهروندان پیرامون تصاویر (منبع: نگارندگان)

جدول ۳: میزان استقبال شهروندان از کیفیات ذکر شده در تصاویر (منبع: نگارندگان)

| ردیف | عنوان | کاملا ناراضی | نسبتا ناراضی | بی تفاوت | علاقه‌مند | خیلی علاقه‌مند |
|------|--------------------|--------------|--------------|----------|-----------|----------------|
| ۱ | خوانایی و جهت‌یابی | - | - | ٪۲۰ | ٪۴۰ | ٪۴۰ |
| ۲ | خاطره‌انگیزی | - | - | ٪۴۰ | ٪۳۰ | ٪۳۰ |
| ۳ | تفریح و تنوع | - | - | - | ٪۲۰ | ٪۸۰ |
| ۴ | کسالت‌آور و زشت | ٪۷۵ | ٪۲۰ | ٪۵ | - | - |
| ۵ | زیبایی و طراوت | - | ٪۵ | ٪۱۵ | ٪۳۰ | ٪۵۰ |
| ۶ | خاطره و گذشته | ٪۴۵ | ٪۴۰ | ٪۱۵ | - | - |
| ۷ | صمیمیت و دوستان | ٪۱۰ | ٪۳۵ | ٪۳۰ | ٪۲۵ | - |
| ۸ | سکوت و آرامش | - | ٪۵ | ٪۲۵ | ٪۳۰ | ٪۴۰ |

افراد به محله تفاوت‌هایی وجود دارد که نشأت گرفته از شرایط سنی و جنسی است و البته عدم تجربه برخی از عناصر در چگونگی نگرش به آن تأثیر مستقیم دارد.

یافته‌های مهم دیگری که به دلیل محدودیت حجم مقاله ذکر مبسوط آنها میسر نیست به این شرحند: تأثیر تفاوت‌های جنسی، سنی و سابقه سکونت بر علاقه افراد به عناصر کالبدی و کارکردهای مختلف؛ تأثیر تجربه، خاطره زمانی و سن بر نقشه ذهنی و معانی محیطی (تفاوت سالمندان و جوانان) که انتقادات کرمونا (2003) به رویکرد لینچ یعنی لزوم توجه به تفاوت نقش اجتماعی افراد و میزان استفاده از محیط (تنوع ناظر)، لزوم توجه به معنای محیط برای افراد و احساسشان به آن (معنا و نمادگرایی) را تأیید می‌کند. اهمیت استفاده از نام‌های قدیمی در آدرس‌دهی بعلت معنابخشی و هویت‌مند ساختن زندگی و نهایتاً این یافته مهم که عناصری که برای جهت‌یابی و تعیین مختصات در آدرس‌دهی یا نقشه‌های ذهنی ساکنین ظاهر می‌شوند لزوماً عناصر خاطره‌انگیز و باارزشی نبوده و برای شناختشان باید رویکردهایی نظیر نشانه‌شناسی شهری در تلفیق با نقشه‌های ذهنی به کار رود.

نتایج این بخش حاکی از آنست که گزینه یک (بازار دوم) برای همه زنان و اکثر جوانان با کیفیت تنوع و تفریح همراه است. ولی نظر سالمندان در چند گزینه متغیر بود. تقریباً از نظر تمامی سوال‌شوندگان میدان اطلسی زشت و کسل‌کننده و شهرسازی برای جهت‌یابی و خوانایی محله مناسب بود. ٪۸۵ مردان و ٪۶۰ کل پرسش‌شوندگان میدان نازی آباد را با خاطره و گذشته متجانس تشخیص دادند. پاسخ‌های این بخش نشان می‌دهند که مردم لزوماً به تمام عناصری که برای جهت‌یابی و تعیین مختصات خود به آنها تکیه می‌کنند علاقه نداشته و از آنها خاطره‌ای ندارند.

جواب ساکنان نازی آباد در خصوص معنا بیانگر این امر است که اولاً آنها به شدت قائل به حضور عناصر یا وقایع هستند که معانی عمیقی برای آنها در تصویر ذهنیشان دارد و از تقویت آنها حمایت کرده و از نابودی این عناصر ناراحت می‌شوند. چون از طریق آنها با محیط ارتباط برقرار کرده، هویت‌مند شده و خود را با گذشته پرافتخارشان متصل می‌بینند. دوماً با وجود توافق بر سر عناصری که معنای عمومی بر آنها مترتب است (نامگذاری‌ها، داشتن فرهنگ غنی‌تر و...) بر سر عناصر معناآفرینی مانند احیاء تیم‌های ورزشی، احداث یا تخریب برخی اماکن و درزمینه‌های علاقه

مردم همیشه برای تحرک در محیط و یافتن مختصات نسبی خود در آن از عناصری کمک می‌جویند و از طریق آنها در ذهن خود نقشه شناختی منحصربفردی را از محیط زندگی‌شان سامان می‌دهند و یا به عبارتی طرح‌واره‌ای از آن را در ذهن خود شکل می‌دهند و خود و محیط را هر روز با آن مطابقت داده و تکمیل می‌نمایند. براساس پژوهش‌های اندیشمندان حوزه شهرسازی نظریات مختلفی در زمینه نحوه ادراک محیط ارائه شده که معروفترین آنها تحقیق لینچ می‌باشد که عناصر نقشه شناختی را در پنج گروه جای داده است ولی همانگونه که تکمیل تحقیقات و بررسی‌های جدید مشخص کرده است، اولاً نحوه ادراک این موارد می‌تواند بسته به گروه‌های جنسی، سنی، اجتماعی و حتی فرهنگی متفاوت باشد و ثانیاً این عناصر بیشتر به منظور خوانایی محیط و قابلیت ادراک سریع محیط پیرامون و تصور آن بکار می‌روند (نقشه شناختی خلاصه‌ای از عناصر مهم محیط است) نه وضوح آن و بیشتر کاربرد عملکردی دارند. ولی امروزه با تحقیقات صورت گرفته در حوزه نشانه‌شناسی شهری مشخص شده است که انسان‌ها بر اساس تجربه، فرهنگ، گذشته تاریخی، جهان‌بینی و... از عناصر محیط به صورت دیگر نیز به منظور پدید آوردن تصویر ذهنی بهره می‌برند.

بررسی نقشه ذهنی ساکنان محله نازی‌آباد در کنار توجه به عناصر معنادار، ابنیه نمادین، خاطرات و تجارب روزمره آنان نشان داد که این موارد می‌توانند علاوه بر تأثیر بر تصور ذهنی تبدیل به نوعی زبان برای برقراری ارتباط و تداوم آن بین ساکنین و محیط شده و مردم بتوانند از طریق آنها به محیط زندگی خود معنا داده و هویت کسب کنند. این امر نظرات پیونیس را که معتقد است بین درک فرم شهر به وسیله کشف‌کنندگان فضا بر اساس تجربه، خاطره، فرهنگ و معناهای قابل درک در رفتار روزمره، با توصیف کلامی این تعامل تفاوت وجود دارد، تأیید می‌کند. به اعتقاد وی انسانها معمولاً برای آدرس‌دهی از آثار بصری علامت‌دار که برای دیگران قابل توصیف است یاری می‌گیرند نه از چگونگی برقراری ارتباط و خوانش محیطی خود. مردم به تبع این ارتباط متقابل به محله خود دلبسته شده و نمی‌توانند در مقابل تغییرات آن بی‌تفاوت باشند. در همین راستا طراحان شهری می‌توانند با شناسایی عوامل حامل بارهای معنایی در زندگی شخصی و جمعی افراد، با تسلط و مخاطب‌پسندی بیشتری دست به تغییرات و طراحی بزنند و همچنین درعین جلوگیری از نابودی آنها، امکان ایجاد دلبستگی محیطی را فراهم سازند تا مردم با گزینه‌های بیشتری اقدام به ارتباط با محیط کرده و با متناسب ساختن خود به محیط معناداری که آن را درک می‌کنند، هویت‌مندتر شوند. در این مقاله نشانه‌شناسی شهری بیشتر در ارتباط با خوانایی و نقشه‌های شناختی محله مورد نظر قرار گرفت. بدیهی است تحلیل نشانه‌شناسانه بناها، عناصر و فعالیت‌های جاری در محله، تفاوتها و تشابهات در تعبیر و خوانش افراد و گروه‌های مختلف و تحلیل ریشه‌های آنها زمینه‌هایی است که در پژوهش‌های آتی می‌توانند مدنظر محققین قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Ferdinand Desaussure (1857-1913)
2. Charles Sanders Peirce (1839-1914)
3. Semiotic
4. Semion
5. Sympomatology
6. Signifier
7. Signified
8. Iconic
9. Indexical
10. Symbolic
11. Urban Semiotics

12. Social Semiotics
13. Denotative
14. Connotative
15. Visibility
16. Imageability
17. Clarity

فهرست منابع

- بارت، رولان؛ (۱۳۷۸)؛ عناصر نشانه‌شناسی؛ مجید محمدی، انتشارات هدی، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه؛ (۱۳۸۶)؛ سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت؛ انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه؛ (۱۳۸۸)؛ سیراندیشه‌ها در شهرسازی (۳) از فضا تا مکان؛ انتشارات شهیدی، تهران.
- پورجعفر، محمدرضا و مهدی منتظرالحجه؛ (۱۳۸۹)؛ نشانه‌های شهری؛ انتشارات طحان، تهران.
- جمالپور، بیتا؛ (۱۳۸۴)؛ بکارگیری نشانه‌شناسی در شهرسازی؛ نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان.
- دینه‌سن، آناه ماری؛ (۱۳۸۰)؛ درآمدی بر نشانه‌شناسی؛ مظفر قهرمان، انتشارات پرسش، تهران.
- سجودی، فرزانه؛ (۱۳۸۷)؛ نشانه‌های هویت بخش؛ روزنامه اعتماد، شماره ۱۹۰۹.
- سرائی، حسن؛ (۱۳۷۲)؛ مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری؛ انتشارات سمت، تهران.
- سلطانی، لیلا؛ (۱۳۸۶)؛ نقاط عطف و نشانه‌های شهری؛ نشریه اینترنتی منظر، شماره ۱۵.
- شهرداری منطقه ۱۶؛ (۱۳۸۸)؛ اسناد توسعه راهبردی محله نازی آباد؛ انتشارات شهرداری منطقه ۱۶، تهران.
- عباس زادگان، مصطفی؛ (۱۳۸۱)؛ روش چیدمان فضا در تولید طراحی شهری؛ دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹، بهار و تابستان.
- غفوری، عطیه؛ (۱۳۸۶)؛ تصویر ذهنی؛ نشریه اینترنتی معماری منظر، شماره ۵.
- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۸۳)؛ انسان‌شناسی شهری؛ نشر نی، تهران.
- گروتز، یورگ؛ (۱۳۷۵)؛ زیباشناختی در معماری؛ جهان‌شاه پاکزاد و همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گیرو، پی‌یر؛ (۱۳۸۳)؛ نشانه‌شناسی؛ محمد نبوی، انتشارات آگه، تهران.
- مهنا، امیر؛ (۱۳۸۳)؛ اهالی نازی آباد درباره دیروز و امروز منطقه آنچه باید باشد و نیست، روزنامه همشهری، شماره ۳۳۵۰.
- Carmona, Matthew, et al.; (2003) **Public Places – Urban Spaces**; Oxford: Architectural Press, P. 92-93.
- Gottdienier, M., and Lagopoulos, Alexandros, eds.; (1986) **The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics**, New York: Columbia University Press.
- http://books.google.com/books?id=ms3vRqq33SAC&pg=PA101&source=gbs_toc_r&cad=4#v=onepage&q&f=false
- Ledrut, Raymond; (1986) **The Images of the City, in The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics**, Gottdienier, M., and Lagopoulos, Alexandros, eds. New York: Columbia University Press, p. 219-240.
- S.Pipkin, John et al.; (1983) **Remaking the City: Social Science Perspectives on Urban Design**, New York, State University of New York Press, Retrieved from.

Urban Semiotics and its Role in Legibility and Identification of Environment

Case Study: Nazi Abad Neighborhood

▪ **Morteza Mirgholami¹, Amir Waez Shahanaghi², Mohammad Bashir Robati³**

¹ Assistant Professor of Urban Design at Tabriz Islamic Art University, Iran. (Mirgholami@gmail.com)

² Master of Urban Design - Tabriz Islamic Art University, Iran. (Amirwaez@yahoo.com)

³ Master of Urban Design - Tabriz Islamic Art University, Iran. (b.robati.1986@gmail.com)

Abstract:

Semiology and study of meaning and its effects on users is one of the new approaches that recently have become very popular in urban studies. It can be used as a useful and efficient tool for producing qualitative data out of the city and daily life of citizens and assist urban designers in identifying signs and concepts they represent. In this paper, Nazi Abad Neighborhood in Tehran is explored as a case study in terms of existence of signs, the effects of environmental meanings on different groups of residents and environmental legibility. The objective of this research is to review Lynch's cognitive mapping approach critically and to study the effects of meanings embedded in urban elements and signs on creation of people's environmental cognitive maps and legible environments. This is conducted by using surveys, cognitive maps, fieldwork interviews and photo-analysis method in the neighborhood. The findings, parallel to some other critics of Lynch's studies, confirm that his five elements are mostly used for faster environmental perception and legibility, not clarity, and operate as functional features and cognitive maps vary depending on age, gender and socio-cultural characteristics of urban dwellers. People, based on their experience, culture, past history, ideology etc. perceive different meanings of the environment and can have specific interpretation of their neighborhoods according to their reading of environmental signs. Analyzing Cognitive maps of Naziabad residents and other aspects such as meaningful elements, symbolic buildings, memories and daily experiences revealed that these features, besides affecting cognitive maps, can work as a language via which residents can connect themselves to their environment. This confirms Peponis ideas who believed that there is a difference between people's perception of and urban form based on their experience, memory, culture and everyday meanings and its verbal description. He believes that people usually use significant visual elements of an environment and not their reading or personal meaningful elements for way-finding or giving address to others. Therefore, urban designers can make environmental design and transformations with regards to elements that are meaningful in private and public life of people and provide an opportunity to create place attachment.

Keywords: *Urban Semiotics, Urban Environment, Cognitive maps, legibility, Nazi Abad.*